

اخبار جنبش اسلامی

شماره ۵، چهارشنبه ۵۷/۹/۱۵

تهران

محرم، ماه قیام، ماه خون

شنبه ۹/۱۱ (اول محرم)

از صبح زود حرکت مردم از نقاط مختلف شهر آغاز میشود. خبر شهیدان و مجروحان دیشب همه را غمگین کرده بود، ماه محرم با خون شهیدان برآستی آغاز شده بود و پیام شهیدان کربلا بیش از همیشه الهام بخش بود..... تظاهر کنندگان با شعارهای خود مردم را از فاجعه دیشب آگاه میکردند. مأمورین سفاکانه تیراندازی میکردند و از کشته پشسته می ساختند. بیشترین کشته در چهار راه سرچشمه بود که پس از مدتی تلی از شهدا را مأمورین در گوشه ای جمع کرده و مدتی بعد با آمبولانسهای ارتشی بردند. در اینجا مردم از بازار تهران حرکت کرده بودند و پس از طی خیابان بوذرجمهری و ری از طریق امیر کبیر در ساعت ۱۰/۴۰ به سرچشمه می رسند و چون در قسمت جلو و عقب تظاهرکنندگان با اتومبیلها راه بندان ایجاد کرده و مانع رسیدن مأمورین میشدند، سربازان پیاده از میدان شپه حرکت کرده و خود را به سرچشمه میرسانند و بدون اخطار و استفاده از گاز اشک آور مردم بیدفاع را به مسلسل می بندند و بگفته شهود عینی حداقل در این محل ۲۰۰ نفر شهید میگردد پدر مجاهدی که اخیراً یکی از فرزندانش بجرم آزادیگی تیرباران شده بود، اظهار میداشت که در کنار او با یک رگبار، ۲۵ تا ۳۰ نفر بزمین افتادند. و در ابتدای کوچه ارژنگی مقابل سرای ناهید بیش از ۶۰۰ جفت کفش زنانه و مردانه و بچه گانه متعلق به شهدا و مجروحین و کسانیکه موفق به فرار شده بودند پراکنده شده بود. یکی از کشته شدگان بنام «اصغر استاد نیا» راننده اتوبوس دو طبقه در پشت فرمان کشته شد. مردم جنازه او را که دارای ۵ فرزند بود به مسجد فایق در خیابان شهباز آوردند گلوله درست به مغز او اصابت کرده بود و آنرا متلاشی کرده و به دیواره اتوبوس چسبانده بود. نیمساعت پس از جمع آوری شهدا و مجروحین هنگامیکه داشتند کف خیابان را از خونهای پر برکت شهدا می شستند، دو مجروح نیمه جان را در جوی خیابان امیر کبیر یافتند و دو مجروح دیگر نیز روی پشت بام خانه ای افتاده بودند که سربازان نمی گذاشتند مردم هیچکدام را به بیمارستان برسانند. از این لحظه ببعد مردم در راهپیماییها و تظاهرات خود می گفتند: «اول محروم سرچشمه کربلاشد» در اطراف بیمارستانها هزاران نفر برای اهدای خون اجتماع کرده بودند و آماده هر گونه کمک به مجروحین بودند. تنها در بیمارستانهای «بهاور و بهادران» از ساعت ۱۰ شب شنبه تا صبح یکشنبه ۲۳ کشته و حدود ۳۰۰ زخمی برده اند و در بیمارستانهای بزرگانان - سوم شعبان - طرفه - سوانح - جرجانی و شفایحیایان تعداد زیادی مجروح برده اند ظهر روز شنبه بیمارستان شفایحیایان اعلام کرد که بیمارانش را به جای دیگری منتقل کرده و آماده پذیرش ۷۰۰ مجروح است و در ساعت ۴ همان روز اعلام نموده تمام ظرفیت بیمارستان تکمیل است. شایع است مسافری که عازم تهران بود، بخاطر تاخیر ورود به شهر مواجه با ساعت حکومت نظامی میشود و ناچاراً در اطراف بهشت زهرا در اتومبیل خود میخوابد. نیمه های شب در اثر سروصدا از خواب بیدار میشود و در فاصله نزدیکی چند ماشین ارتشی را مشاهده میکند و لدری را مشغول حفر چاله می بیند که پس از کندن زمین جنازه ها را در گودال ریخته و با خاک آنرا میپوشانند.

کشتار در خیابان رامسر (یکشنبه ۹/۱۱)

حدود ساعت ۱۱ صبح تعداد زیادی دختر و پسر جوان در حالیکه پیراهن های سیاهی پوشیده بودند عکس هایی از آیه الله خمینی حمل میکردند، از خیابان سپهد زاهدی شروع به حرکت میکنند این عده در حالیکه مرتباً تعدادشان افزوده میشد، به خیابان تخت جمشید میرسند و از آنجا بطرف سفارت امریکا حرکت میکنند. در مقابل سفارت علاوه بر

مامورین مسلح ارتش، دو سرباز امریکایی با لباس شخصی عملیات حفاظتی را رهبری و کنترل میکردند و مرتباً با بی سیم جریان را بدخل سفارت گزارش میکردند. در این هنگام که جمعیت به حدود ۱۵۰ متری غرب سفارت رسیده بود یک کامیون سرباز به طرف آنان حرکت میکند. جوانان به کوچه های جنوبی تخت جمشید و خیابان ثریا میگریزند و در خیابان رامسر، به دانشجویان تربیت معلم که تظاهرات کرده بودند میپیوندند. در اینجا مامورین جمعیت را محاصره می کنند و برگبار می بندند و ۴ نفر را هدف گلوله قرار می دهند. دو نفر آنها مقابل خوابگاه دانشکده تربیت معلم و دو نفر دیگر مقابل خانه شماره ۵۵ خیابان رامسر بزمین می افتند و پس از انتقال به بیمارستان فوت میکنند. یکی از این شهدا، در آخرین لحظات حیاتش با رو حیه ای شگفت انگیز با قطرات آخر خورش روی کاپوت اتومبیل پیکان شماره (۱۲۵۳۵ - تهران س) که در گوشه خیابان رامسر پارک شده بود. شعار ملت را می نویسد. «مرگ بر»

خیابان خراسان در تظاهرات این منطقه ۵ نفر کشته شدند. مردم پارچه سفیدی را که بخون آنها آغشته بود، در وسط خیابان در معرض دید عموم قرار دادند.

بازار

در تظاهرات پراکنده بازار، گفته میشود ۶ نفر کشته شده اند و پلیس عبور و مرور بطرف سبزه میدان وبازار را قطع میکند.

شاهپور

در این ناحیه مردم به خیابانها می ریزند و شروع به آتش زدن لاستیک میکنند و شعار میدهند. مامورین سر میرسند و به داخل کوچه ها تیر اندازی میکنند و مردم را تعقیب مینمایند صبح روز بعد پلیس به داخل خانه های شناخته شده می ریزد و بدنبال بلند گو می گردد و مردم را مورد بازجویی قرارم می دهد.

اتابک

در تظاهرات این منطقه گفته میشود ۴ نفر شهید شده اند در خیابان شمیران مقابل سینما ریولی، مردم یک جیب شهربانی به شماره ۲۷۲۴ را به آتش میکشند. از جزییات حادثه و سرنوشت سرنشینان آن اطلاعی در دسترس نیست.

بهشت زهرا

همه روزه در ایام محرم تظاهراتی در بهشت زهرا برپا میگردد هنگامیکه جنازه سوراخ سوراخ شده تازه شهیدی را میآورند تظاهرات به اوج خود میرسد. تنها صبح روز یکشنبه دوم محرم ۲۰ شهید را دفن کردند شب جمعه ۹/۹ بعد از ساعت ۹ شب جمعیتی در خیابانی تظاهرات می کردند سربازان هجوم می آورند و مردم به خانه ها پناه می برند. در یکی از این خانه ها که مردم خود را مخفی می کردند سربازان از پشت در تیر اندازی میکنند و پسر صاحبخانه کشته میشود و مامورین جنازه او را به زور گرفته با خود می برند. شنبه ۹/۱۱ این خبر به تواتر به مارسیده است و علیرغم غیر عادی بودن، صحیح به نظر میرسد حدود ظهر روز شنبه مامورین ارتش، ۲۶ نفر جوانی را که به علت تظاهرات دستگیر کرده بودند، در پیاده رو مقابل مجلس روی زمین مینشانند تا نفر بر خالی بیاید و آنها را به زندان ببرد مدتی طول می کشد و جوانان از یکجا نشستن و سرما آنها گوشه خیابان به تنگ می آیند و یکی از آنها اعتراض میکند و می گوید مگر به خیابان آمدن جرم است؟ افسر فرمانده با لحن تندی می گوید خفه شو حرف زدن هم ممنوع است! از این قسمت واقعه نقل قولهای متعددی کرده اند که چگونگی آن دقیقاً روشن نیست. بروایتی جوان معترض بجوابگویی پرداخته حتی در صدد خلع سلاح یکی از سربازان بر میآید و فرمانده به این بهانه فرمان آتش میدهد و هر ۲۶ نفر را شهید می نمایند. سربازان اجساد شهدا را به داخل کامیون ریو انداخته به مقصد نامعلومی میبرند عصر آن روز سربازان به آسایشگاه خود رفته و اسلحه هایشان را به زمین می اندازند و روی تخت خود شروع به گریه میکنند. وضع غیر عادی سربازان همه را متاثر میکند و سرهنگ (که بتازگی از سرگردی به درجه سرهنگ تمامی رسیده بود) برای

آنها صحبت میکند درحین صحبت حال سربازی به هم میخورد و او را به بهداری می برند و برای راحتی وجدان بقیه، ۲۴ ساعت استراحت میدهند.

مسجد قبا

رو زشنبه ۹/۱۱ پس از اقامه نماز مغرب و عشا و سخنرانی آقای دکتر مفتاح، مامورین ارتش مسجد را محاصره میکنند و با تیراندازی هوایی به ارباب مردم میپردازند. فرمانده آنها با بلند گو اعلام میکند « چون برای تشکیل این اجتماع کسب اجازه نشده است باید تعطیل گردد » و به اینترتیب این مسجد را از ابتدای ماه محرم تعطیل می نمایند.

مسجد تهرانی

عصر روز ۹/۱۱ در مسجد تهرانی واقع در منطقه دروس، هنگامیکه مردم مشغول مقدمات نماز جماعت بودند، معاون کلانتری قلعه د رحل حاضر شده با توهین و ناسزا به کمک مامورین همه را از مسجد خارج میسازد و بدون جهت برای ارباب ساکنین محل مدت یکساعت تیر اندازی مینمایند.

«هموطن، اکنون که مطبوعات - رادیو و تلویزیون - مساجد - مدارس - دانشگاهها و کلیه مراکز تجمع و کسب خیر را تعطیل نموده اند، وظیفه همه ما است در ابلاغ اخبار بکوشیم و با تکثیر و توزیع این نشریه توطیه رژیم را خنثی سازیم. « روز پنجشنبه ۹ آذر ماه در بهشت زهرا اعلام شده بود که نماز جمعه در مسجد المهدی (تهران نو) برگزار میگردد. از صبح جمعه مسجد بوسیله نیرو های ارتش محاصره میگردد و مردم که از ساعت ۹ صبح آمده بودند متفرق میشوند. در همان محل تراکتهایی پخش میشود که در آن از مردم دعوت شده بود شب شنبه از ساعت ۹ بعد روی پشت بامها رفته شعار «الله اکبر» و « لا اله الا الله » بگویند.

شعارهای شبانه (در پشت بام ها)

ارتش به این بی غیرتی، ندیده هیچ مملکتی. حسین، راه ترا ما برگزیدیم، هر دو با هم گرفتار یزیدیم. افتد اگر این پیکر زارم، دست از خمینی بر نمیدارم. انقلابی ترین مردم جهان است آیه الله خمینی، رهبر نهضت آزادگان است آیت الله خمینی.

مردم چه وقت خواب است،

برخیز انقلاب است

یزید به تخت نشسته

چه سفت و سخت نشسته.

توپ و تانک و مسلسل، دیگر اثر ندارد، مسلمان ایرانی از مرگ ترس ندارد.

الله اکبر، خمینی رهبر، میریم به جنگ شاه ستمگر

خمینی ایران انقلاب است، نقش مخالفین تو بر آب است،

جان من فدایت، همچو مصطفی یت،

مرگ بر این <۲>

... جنایت میکند - ارتش حمایت میکند

ما مسلمانان همه آزاده ایم،

دست بیعت با خمینی داده ایم

تنها راه رهایی

جنگ مسلحانه است

مسلمان بپا خیز

برادرت کشته شد.

ایران شده فلسطین، مردم چرا نشستین؟

«خواهر و برادران مسلمان

در این روزهای بحرانی و پرحادثه، هر روز تعداد زیادی از خواهران و برادران ما هدف گلوله های دژخیمان قرار می گیرند و احتیاج به خون پیدا میکنند. اهدا خون میتواند مجاهد مجروحی را از مرگ حتمی نجات دهد. کسانیکه گروه خون خود را نمیدانند هر چه زودتر برای تعیین نوع آن به مراکز آزمایش و اهدا خون مراجعه کنند و آماده ایثار باشند. در ضمن چون بعضی از گروههای خون از جمله O منفی و A منفی بسیار نادرند، کسانیکه خونشان با این دو گروه تطبیق میکند وظیفه خدایی شان حکم میکند سریعاً به بیمارستانهایی که معمولاً مجروحین به آنجا منتقل میشوند مراجعه نمایند و جان خواهر با برادری را نجات دهند.»

ساواک برای خدشه دار کردن نهضت اسلامی، در روز ۲۶/۸/۵۷ اعلامیه جعلی بنام حضرت آیه الله خمینی منتشر مینماید و در سطح وسیع شبانه پخش میکند و در ساعات حکومت نظامی بمنازل و اتومبیل ها می اندازد ولی این اعلامه آنچنان ناشیانه تهیه شده بود که ساده ترین افراد بمحض رؤیت متوجه جعلی بودن آن میشدند. آقای بوشهری (شوهر اشرف) به بانک مرکزی مراجعه می نماید و آقای خوشکیش رییس بانک به کارمندان دستور میدهد کار خروج چندین میلیون ارز را برای ایشان ترتیب دهند ولی کارمندان شدیداً اعتراض کرده و خاطرنشان میکنند ممنوعیت خروج ارز شامل همه میگردد. در اینموقع بقیه کارمندان که متوجه موضوع شده بودند همصدا شده دست از کار میکشند. تظاهرات کارکنان بانک مرکزی که بدنبال اعتصاب کارکنان بانک ملی آغاز شده بود به تیراندازی کشید. کارکنان این بانک همراه کارمندان بانک سپه در حالیکه لباس سیاه به تن کرده بودند در حیاط بانک به کارمندان بانک ملی میپیوندند سپس با قرار دادن ماشین مخصوص حمل پول پشت در ورودی بانک مانع ورود خودروهای ارتشی میشوند و شروع به تظاهرات میکنند ولی مامورین از طریق پارکینگ بانک مرکزی بمحوطه بانک ملی حمله و تیراندازی میکنند و کارمندان را به خیابانهای اطراف پراکنده می سازند در جریان این تظاهرات که خوشبختانه تلفاتی نداشت، کلیه نگهبانان مسلح بانک شرکت کرده بودند. با همه تلاشهاییکه برای شکستن اعتصاب پالایشگاه انجام می گیرد هنوز اعتصاب ادامه دارد. کارکنان خط لوله تهران هنوز در اعتصابند و در نتیجه آن، خطوط لوله شاهرود - تبریز و زنجان و سایر قسمتهایی که از تهران تغذیه میگردد تعطیل گردیده است. گفته میشود به علت اعتصاب قسمت پخش و سایر قسمت های شرکت نفت، مقداری از مصارف سوختی از کویت تامین می شود. بعلت خوابیدن خطوط لوله تهران، سوخت تهران با قطار از اهواز حمل میگردد. قرار است پالایشگاه آبادان و سایر قسمتهای شرکت نفت در جنوب از روز شنبه دوباره اعتصاب نمایند. یکی از کارکنان زخمی شرکت نفت، بعلت اینکه تیر به نخاع او خورده بود، هر دو پایش فلج میشود و پزشکان بخاطر حساس بودن موضع از دز آوردن تیر خودداری کرده اند.

اصفهان (۱۱ کشته - ۵۶ زخمی)

روز یکشنبه ۹/۵ حدود ۹ صبح عده ای از مردم قصد داشتند در مسجد مصری واقع در خیابان سروش اجتماع کنند ولی با ممانعت مامورین پلیس مواجه میشوند. مامورین به سرکردگی استوار توکلی، بسوی تظاهرکنندگان تیراندازی میکنند و جوانی از ناحیه چشم مورد اصابت گلوله قرار گرفته و شهید میشود. مردم که از این واقعه بشدت عصبانی شده بودند، بمامورین حمله میکنند. شخصی مچ یکی از پاسبانان را که همچنان مشغول تیراندازی بوده میگردد و لوله هفت تیر او را بهوا میگردد که بکسی اصابت نکند و شخص دیگری با لبه بیل از پشت سر به گردن او میزند که در دم کشته میشود عده دیگری استوار توکلی را تعقیب میکنند و او را در حالیکه بخانه ای پناه برده بود با کارد از پای در میآورند. پس از آن اسلحه و بی سیم این دو نفر را برداشته متواری میشوند. لحظه ای بعد مامورین ارتش و شهربانی و ساواک

در محل حاضر میشوند و بسوی افراد عادی که بنظرشان مشکوک می آمده تیر اندازی می کنند و باین ترتیب ۳ نفر را روبروی مسجد مصری از پای در میاورند. پس از این تیر اندازی که تا ساعت ۱۰/۵ ادامه پیدا میکند، مردم از کوچه ها به سایر نقاط شهر سرازیر میشوند و زدوخوردهای دیگری در سایر خیابانها اتفاق می افتد. در هر کدام از خیابانهای مسجد سید (محمدرضا شاه سابق) - مدرس - فلکه طوقچی و ابن سینا ۲ تا ۵ نفر کشته میشوند. بعد از ظهر رادیو اعلام می کند «طبق اعلامیه شماره ۶۵ ساعات منع عبور و مرور از ۱۱ شب به ۸ شب تقلیل پیدا میکند.» در بیمارستان عسکریه تا ساعت ۱۰ شب ۵۶ زخمی می آورند که دو نفر از آنها فوت میکنند. این بیمارستان پس از معالجه فوری و پانسمان مجروحین بخاطر حمله احتمالی پلیس آنها را از بیمارستان مرخص میکند و مجروحین شدید را به بیمارستانهای جرجانی و رضا پهلوی انتقال میدهد. در این دو بیمارستان ۵ نفر شهید میگردند عده دیگری هم در بیمارستانهای سپاهان و هزار تختخوابی بستری شده اند. گفته میشود ۴ پاسبان در خیابان مسجد سید بوسیله بمبهای دستی (کوکتل مولوتف) کشته شده اند. روز ۹/۱ عده ای از مردم در محله خواجه دست به تظاهرات زده بودند در کوچه درویشها نزدیک چهار راه فروردین، به یکی از افسران ژاندارمری بنام جهادی برخورد میکنند او که اسلحه و بی سیم داشته، بسوی تظاهر کنندگان تیراندازی میکند و دو نفر را مجروح مینماید. پس از این جریان مردم او را محاصره میکنند و با سنگ در صدد مقابله بر می آیند. در این بین دو بمب یکی بنزینی و دیگری کوکتل بسوی او پرتاب میشود که باعث میشود دود کوچه را بگیرد در این موقع چند نفر از پشت خود را به او نزدیک میکنند و با سنگهای مرمر نما که در آن محل بوده به او حمله میکنند. یکی از سنگها به سر او اصابت میکند و آنرا میشکند و به زمین می افتد. شخص دیگری با کپسول گاز بسر او میکوبد و پس از بیهوش کردن اسلحه و بیسیم او را مصادره کرده متواری میشوند. ظهر همان روز سرلشکر ناجی بهمراه عده زیادی نفرات به محله می آیند و برای کسبیکه از اسلحه خبر بدهد ابتدا ۵۰۰۰ تومان و سپس ۱۰۰۰۰ تومان جایزه تعیین میکند و همه مغازه داران نزدیک محل و از هر خانه یکنفر را دستگیر میکند. آنروز و روز بعد مامورین هر جوانی را در محل می دیده اند، بشدت مضروب میکردند. این افسر اکنون در بیمارستان بستری است.

رفسنجان

روز چهارشنبه ۹/۱ برای استقبال از یک زندانی سیاسی جمعیت کثیری در حومه شهر واقع در رحمت آباد اجتماع میکنند پلیس به جمعیت حمله و تیراندازی می نماید که در نتیجه دو نفر شهید و عده ای مجروح میشوند (مردم پاسبانی بنام حسن رضایی را قاتل میدانند) در روز یکشنبه ۹/۵ راه پیمایی عظیمی ترتیب می یابد که پس از نماز جماعت در خیابان مدرس پایان میگیرد. سهشنبه ۹/۷ سروان حیدری معاون شهربانی که باآزار مردم و بخصوص دختران دانش آموز شهرت دارد در خیابان برق بقتل میرسد و جنازه فوراً بکرمان منتقل میشود. از ضارب کوچکترین اثری نیست.

بوشهر

در شب شنبه اول ماه محرم مردم بوشهر راه پیمایی عظیمی بر پا مینمایند، فردای آنشب ارتش اقدام باعزام نیرو از کازرون می نماید و مردم را که بتظاهرات گسترده ای دست زده بودند به گلوله میبندند که در نتیجه هشت نفر شهید و عده ای مجروح میشوند.

قم

در سطح شهر هر روز تظاهراتی برگزار میشود. بتازگی تمام عابرینی را که حامل بسته یا کیفی هستند، مورد بازدید قرار میدهند. همچنین اکثر وسایط نقلیه شخصی که بشهر وارد میشوند مورد بازدید مامورین قرار میدهند.

تبریز

بعلت فشار زیاد مردم، استانداری تظاهرات را در ماه محرم آزاد اعلام نموده است.